تاثیر ویژگیهای اخلاقی فردی حسابرسان بر استفاده از راهنمای تصمیم در کشف تقلب مدیریت

دکترقاسم بولو[1]،پیمان صادقی[2]*

دانشکده حسابداری و مدیریت،دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

گروه حسابداری و مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشکین شهر

چکیده

زمینه: این پژوهش تاثیر ویژگیهای اخلاقی فردی حسابرسان را بر تصمیم آنان جهت استفاده از راهنمای تصمیم برای ارزیابی خطر تقلب مدیریت بررسی کرده است. علاوه بر این، پژوهش حاضر جهت یافتن موانع به‌کارگیری راهنمای تصمیم و رتبه بندی عوامل موثر بر استفاده از آن صورت گرفت.

روش کار: در راستای دستیابی به هدف پژوهش از بین سرپرستان و سرپرستان ارشد شاغل در سازمان حسابرسی تعداد ۷۶ نفر به شیوه تصادفی طبقه بندی شده برای پاسخگویی به پرسشنامه پژوهش انتخاب شدند. تحقیق حاضر تاثیر پنج متغیر مستقل در استفاده یا عدم استفاده حسابرسان از راهنمای تصمیم‌گیری را بررسی کرده است. دادههای حاصل از پرسشنامه با استفاده از آزمون t بررسی شدند.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که مهمترین ویژگیهای اخلاقی فردی موثر در استفاده از راهنمای تصمیم توسط حسابرسان برای اولویت یکم تا پنجم بدین شرح هستند: ۱) عدم عضویت در جامعه حسابداران رسمی ۲) سابقه حرفه ای بیش از ۲۰ سال ۳) مدرک تحصیلی کارشناسی ۴) رده سازمانی سرپرست ارشد ۵) رشته تحصیلی مدیریت.

نتیجه‌گیری: شواهد حاصل از این پژوهش گویای آن است که موانع به‌کارگیری راهنمای تصمیم از نظر حسابرسان در رده سازمانی سرپرست و سرپرست ارشد عدم وجود ویژگیهای اخلاقی فوق می‌باشد. همچنین رابطه متغیرهای مستقل با متغیرهای وابسته به صورت مستقیم می‌باشد که بیشترین تاثیرگذاری به وسیله متغیر عدم عضویت در جامعه حسابداران رسمی است.

کلید واژه‌ها: ویژگی اخلاقی فردی، تقلب مدیریت، راهنمای تصمیم

سرآغاز

تقلب پدیده ای است که کلیه کشورهای جهان کم و بیش با آن دست به گریبانند. سازمانهای جهانی از جمله سازمان بین المللی شفاف سازی[1]، سازمان بین المللی موسسات عالی حسابرسی[2] و نیز سایر موسسات منطقه ای مانند سازمان آسیایی موسسات عالی حسابرسی[3] و بانک جهانی ضمن توجه به تقلب در جهان به ارائه رهنمودهایی برای جلوگیری از تقلب خصوصاً در کشورها و سازمانهای عضو اقدام کرده‌اند و در آنها توجه به ارتقای فرهنگ ارزشمداری، صداقت، مسؤولیت و پاسخگویی به عنوان عوامل پیشگیری کننده مورد توجه قرار گرفته است(۱).

در دوره معاصر، حسابرسی در دنیا تبدیل به حرفه ای

* نویسنده مسؤول: نشانی الکترونیکی: peyman_205@yahoo.com

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1390.6.1.8.1]

ضروری و بسیار مورد نیاز شده است، چرا که شواهد متعددی از تلاشهای بسیار در دستکاری فریبکارانه دفاتر حسابداری شرکتها که گاه از آن به «حسابسازی[۴]» تعبیر می‌شود صورت می‌گیرد. برخی محققان در ایالات متحده امریکا عنوان «آن سال مخوف» را به سال ۲۰۰۲ میلادی که برای حرفه حسابرسی دنیا سرشار از اخبار ناگوار رسواییهای مالی قابل توجه بود نسبت داده‌اند(۲).

رسوایی‌های اخیر حسابداری همچون مورد انرون، ادلفیا، کوست و ورلدکام و ضعفهای اساسی حسابرسی در کشف تقلبات ناشی از این رسواییها باعث شد که بیانیه شماره ۹۹ معیارهای حسابرسی در سال ۲۰۰۲ توسط هیات معیار حسابرسی آمریکا[۵] با عنوان «توجه به تقلب در حسابرسی صورتهای مالی» جایگزین بیانیه معیار حسابرسی[۶] شماره ۸۲ با عنوان «رسیدگی به تقلب در صورتهای مالی» تدوین شود که بر اساس آن حسابرس باید تاکید بیشتری بر روی تردید حرفه ای داشته باشد. با اینکه شاید در گذشته حسابرسان مستقل تاکید بیشتری بر روی کشف اشتباهات، و نه تقلبهای با اهمیت، داشته‌اند، اما درخواست جهانی، منطقه ای و داخلی برای رویارویی با تقلب، فساد،و رشوه و... ناتوانی حسابرسان بر این امر و تحولات جهان و شرایط خاص حاکم بر دوران گذشته و جدید و فرصتهای پیش آمده برای حرفه ایجاب می‌کند تا تشکلهای حرفه ای از جمله جامعه حسابداران رسمی ایران و سازمان حسابرسی توجه بیشتری به عوامل تاثیر گذار برای حسابرسان جهت کشف تقلب و مصداقهای آن توجه نمایند.

تقلب، مطابق آنچه در تعریف اخیر انجمن حسابداران رسمی آمریکا[۷]بیان شده «فعل عمدی است که منجر به تحریف بااهمیت در صورتهای مالی مورد حسابرسی می‌باشد». تحریف با اهمیت در ارتباط با تقلب می‌تواند به دو طریق رخ دهد: ۱) سوء استفاده از دارائیها (مانند سرقت دارائیها) ۲) صورتهای مالی متقلبانه. گزارشهای مالی متقلبانه (مانند تقلبات مدیریت) تمرکز اصلی این پژوهش می‌باشد. از جمله این موارد می‌توان دستکاری یا تغییر در ثبتهای حسابداری، کاربرد نادرست اصول حسابداری به طور عمدی و حذف یا ارائه نادرست اطلاعات با اهمیت در صورتهای مالی به صورت عمدی را نام برد.

نکته قابل توجه اینکه حسابرسان برخی از این شرکتها در گزارشهای حسابرسی خود به چنین مشکلاتی اشاره نداشته‌اند. در این حال این پرسش برای جامعه مطرح شد: پس حسابرسان کجا بوده‌اند؟ بدین سبب تردیدهای اساسی در مورد کیفیت و شفافیت اطلاعات حسابداری و حسابرسی مطرح شده است. کمسیون بورس و اوراق بهادار[۸] در واکنش به این خواست عمومی با انتشار بیانیه معیارین حسابرسی شماره ۹۹ توجه حسابرسان را بیشتر به موضوع ارزیابی، شناسایی و کشف موارد تقلب جلب نمود. همچنین روشهایی را نیز جهت ارزیابی و شناسایی وجود خطر تقلب معرفی نموده است که یکی از آنها به‌کارگیری و توجه بیشتر در به کاربردن راهنمای تصمیم[۹] است. راهنمای تصمیم مورد استفاده در این تحقیق شامل دو قسمت می‌باشد:

الف) یک فهرست از عوامل خطر مرتبط با تقلب مدیریت؛

ب) یک قاعده ترکیبی که افراد از آن برای محاسبه ارزیابی کلی تقلب به کمک راهنمای تصمیم استفاده می‌کنند.

مشابه این فهرست در عمل نیز استفاده می‌شود که یک راهنمای تصمیم‌گیری با عوامل سازگار می‌باشد و اخیراً در عمل بررسی شده است(۳).

تحقیق حاضر از لحاظ هدف، جزء تحقیقات کاربردی محسوب می‌شود هدف تحقیقات کاربردی توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص است. به‌عبارت دیگر تحقیقات کاربردی به سمت کابرد علمی دانش هدایت می‌شوند.

روش بررسی

ادبیات موجود در مورد راهنمای تصمیم و عوامل موثر بر استفاده آن توسط حسابرسان حاوی دستاورد ارزشمندی است. با اتکا بر این دستاوردها و با هدف گسترش درک موجود از تاثیر خصوصیات فردی حسابرسان بر به‌کارگیری راهنمای تصمیم، سؤالهای مورد نظر این پژوهش به شرح زیر می‌باشد:

- ارزیابی تاثیر اعتماد به نفس[۱۰] بر میزان استفاده از راهنمای تصمیم‌گیری جهت کشف تقلب مدیریت؛

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1390.6.1.8.1]

– تاثیر رده‌های سازمانی سرپرست ارشد و سرپرست بر میزان استفاده آنها از راهنمای تصمیم‌گیری جهت ارزیابی سطح خطر تقلب مدیریت؛

– بررسی تاثیر عضویت در جامعه حسابداران رسمی بر میزان اتکا حسابرسان به راهنمای تصمیم‌گیری؛

– تاثیر اعتماد به نفس حسابرسان با مدرک تحصیلی(کارشناسی ارشد و کارشناسی) و رده سازمانی (سرپرست و سرپرست ارشد) در ارزیابی سطح خطر تقلب مدیریت؛

– بررسی تاثیر میزان سودمندی استفاده از راهنمای تصمیم‌گیری برای حسابرسان با مدرک کارشناسی ارشد و کارشناسی؛

– بررسی تاثیر مدرک تحصیلی (کارشناسی ارشد و کارشناسی) و رشته تحصیلی (حسابداری و مدیریت) بر میزان تمایل به استفاده از راهنمای تصمیم‌گیری جهت ارزیابی سطح خطر تقلب مدیریت؛

– بررسی تاثیر سوابق حرفه ای بر میزان استفاده آنها از راهنمای تصمیم‌گیری.

بر اساس سؤالهای مطرح شده فوق و با بهره گیری از یافته‌های تحقیقات یاد شده و سایر تحقیقات و مبانی نظری اشاره شده فرضیه‌های تحقیق تدوین شده است.

جامعه آماری تحقیق شامل سرپرستان و سرپرستان ارشد سازمان حسابرسی می‌باشند و دلیل انتخاب آنها به عنوان جامعه مورد بررسی تحقیق حاضر به این جهت می‌باشد که حسابرسان جهت ارتقا به این رتبه نیازمند احراز شرایط خاصی از جمله موفقیت در آزمونهای حرفه‌ای، دارابودن سابقه حرفه‌ای طولانی و همچنین تحصیلات دانشگاهی می‌باشند که انتخاب این افراد قابلیت اطمینان نتایج را افزایش می‌دهد، چرا که آنها تجربه کافی را با فرایند ارزیابی تقلب در مدیریت دارند از طرفی انتخاب این افراد ارزش بیرونی تحقیق را افزایش می‌دهد، زیرا آنها در ارزیابی تقلب مدیریت هم نقش دارند. برای دسترسی به افراد فوق به سازمان حسابرسی مراجعه شده است. در زمان انجام این پژوهش در سازمان حسابرسی ایران حدود ۲۳۹ نفر سرپرست و۱۲۰ نفر سرپرست ارشد وجود داشت.

برای به‌دست آوردن حجم نمونه از بین اعضای جامعه نام برده شده در بخش، قبل از روش تصادفی طبقه بندی شده استفاده شده است و نمونه حاضر با استفاده از فرمول کوکران به دست آمده است (۴).

حجم نمونه ۷۶ نفر است که با توجه به درصد هر طبقه در کل جامعه آماری و فرمول بالا برای سرپرستان تعداد ۵۱ نفر و برای سرپرستان ارشد تعداد ۲۵ نفر تعیین می‌شود.

داده‌های لازم برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از طریق پرسشنامه‌ها جمع آوری شده است. طرح سؤالها از طریق پرسشنامه علاوه بر اینکه باعث می‌شود تا پاسخ دهندگان وقت بیشتری را برای فکر کردن داشته باشند، بسیار عملیتر و آسانتر نیز بوده و به پژوهشگر اجازه می‌دهد که نمونه‌های بیشتری را بررسی و مطالعه کند و در نتیجه تعمیم پذیری نتایج بهبود یابد. در این پژوهش تعداد ۸۱ پرسشنامه توزیع شد که در نهایت ۷۶ پرسشنامه دریافت شد.

تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده در این تحقیق با استفاده از نزم افزار Excel و Spss و آزمون فرضیات نیز در سطح معنی‌داری ۵ درصد انجام پذیرفته است، برای آزمون همه فرضیه‌ها از آزمون t استفاده شده است. برای آزمون فرضیه‌های این پژوهش اطلاعات از طریق پرسشنامه‌هایی که در اختیار افراد واجد شرایط و طبق تعاریف خاص قرار گرفته، گردآوری می‌شود. با توجه به گسترده بودن مباحث تقلب در حسابداری و گستردگی راهنمای تصمیم‌گیری (فهرستها) در این پژوهش منظور از تقلب در صورتهای مالی، تخطی و عدول با اهمیت عمدی از اصول پذیرفته حسابداری در مورد مبلغ، طبقه‌بندی چگونگی ارائه یا موارد افشا در صورتهای مالی می‌باشد. همچنین منظور از راهنمای تصمیم بکارگرفته شده در این تحقیق، چک لیستی است که شامل دو قسمت می‌باشد:

یک بخش چک لیست، شامل عوامل خطر مرتبط با تقلب مدیران و یک قاعده ترکیبی که افراد از آن برای محاسبه کردن ارزیابی کلی تقلب به کمک ابزار استفاده می‌کنند. بخش دیگر فهرست، شامل عواملی است که اخیراً در بیانیه معیارین حسابرسی ۹۹و بخش ۲۴معیارهای حسابرسی ایران به صورت عملی بررسی شده است و در واقع عوامل خطر مرتبط با تقلب

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1390.6.1.8.1]

مدیران را نشان می‌دهد. از افراد شرکت کننده خواسته می‌شود که موارد را خوب مطالعه کنند و سپس در صورت تمایل از راهنمای تصمیم‌گیری ضمیمه شده برای ارزیابی خطر تقلب مدیریت در شرکت استفاده کنند. هدف از این‌کار مشاهده کاربرد واقعی راهنمای تصمیم گیری توسط افراد(متغیر وابسته) و اعتماد به نتیجه حاصل از به‌کارگیری راهنمای تصمیم گیری(متغیر وابسته) می‌باشد. از طریق پرسشهای انجام شده در بخش دوم و مشاهده به‌کارگیری یا عدم به‌کارگیری راهنمای تصمیم نیز متغیرهای مستقل از جمله‌اندازه مشتری، فشار متابعت، اعتماد به نفس و سودمندی تصمیم مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

یافته‌ها

در بخش اول پرسشنامه ۶ سوال عمومی مرتبط با ویژگیهای فردی پاسخ دهندگان شامل سن، سابقه در حرفه، مدرک تحصیلی، رشته تحصیلی، رده سازمانی و عضویت در جامعه حسابداران رسمی مطرح می‌شود. نتایج به‌دست آمده از آمار تحلیل توصیفی سؤالهای عمومی پرسشنامه نشان می‌دهد از بین ۷۶ نفر پاسخ دهندگان به پرسشنامه ۴۷ نفر معادل ۶۱/۸ درصد را سرپرستان و مابقی را سرپرستان ارشد تشکیل می‌دهند. همچنین از کل پاسخ دهندگان به پرسشنامه ۴۱ نفر معادل ۵۳/۹ درصد عضو جامعه حسابداران رسمی ایران هستند. از طرف دیگر بررسی سن پاسخ دهندگان نیز نشان دهنده این موضوع است که ۳۲/۹ درصد از آنها زیر ۴۰ سال هستند و سن ۵۷/۹ درصد از آزمودنیها بین ۴۱ تا ۵۰ سال می‌باشد، همچنین ۹/۲ درصد از آزمودنیها بیش از ۵۰ سال سن دارند. نتایج به‌دست آمده از تجزیه و تحلیل مدرک تحصیلی، رشته تحصیلی و سابقه کاری نیز نشان می‌دهد که ۱۰۰ درصد پاسخ دهندگان دارای مدرک کارشناسی به بالا هستند و ۸۵/۵ درصد از پاسخ دهندگان در رشته حسابداری تحصیل کرده‌اند و ۶۵/۸ درصد بین ۱۰ الی ۲۰ سال سابقه کار دارند. این عوامل می‌تواند جهت اعتبار بخشیدن به یافته‌های پژوهش مورد استفاده قرار گیرد.

تجزیه و تحلیل فرضیه اول

«استفاده حسابرسان از راهنمای تصمیم‌گیری با رده سازمانی سرپرست ارشد و سرپرست، یکسان نمی‌باشد.» برای آزمون این فرضیه سوال زیر از آزمودنیها پرسیده شد:

چنانچه شرکت الف یک شرکت بزرگ محسوب شود، در مقایسه با زمانی که این شرکت کوچک فرض می‌شود، چه میزان احتمال دارد برای ارزیابی خطر تقلب مدیریت از راهنمای تصمیم فوق استفاده کنید؟

نتایج آماری و آزمون میانگین نشان می‌دهد که احتمال استفاده از راهنمای تصمیم در صورت بزرگ بودن شرکت از نظر حسابرسان با رده سازمانی سرپرست ارشد و سرپرست متفاوت می‌باشد. در واقع با توجه به نتایج آزمون میانگین دو نمونه مستقل ملاحظه می‌شود که احتمال استفاده از راهنمای تصمیم برای سرپرستان ارشد (۱۱/۴۸) کمتر از سرپرستان (۱۳/۲۶) می‌باشد که این تفاوت با توجه به مقدار t می‌توان گفت که معنیدار می‌باشد، چرا که مقدار t محاسبه شده (۲/۱۳) بیشتر از مقدار آماره آزمون (۱/۹۶) است. همچنین سطح معنیداری نیز کمتر از ۵٪ یعنی ۰/۰۴ می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت استفاده سرپرستان ارشد از راهنمای تصمیم در صورت بزرگ بودن شرکت بیشتر از سرپرستان است.

تجزیه و تحلیل فرضیه دوم

«میزان خطر تقلب ارزیابی شده بدون اتکا به راهنمای تصمیم‌گیری برای حسابرسان عضو و غیر عضو جامعه حسابداران رسمی یکسان نمی‌باشد.»

برای آزمون این فرضیه سوال زیر از آزمودنیها پرسیده شد:

سطح خطر تقلب مدیریت در صورت عدم اتکا به راهنمای تصمیم را بیان نمایید؟

نتایج حاصل از آزمون تاثیر عضویت در جامعه حسابداران رسمی به جوابهای ارائه شده نشان می‌دهد که حسابرسان عضو جامعه حسابداران رسمی، میانگین میزان سطح خطر تقلب ارزیابی شده را بدون استفاده از راهنمای تصمیم (۵۷/۰۵) بیشتر از حسابرسان غیر عضو (۲۶/۵۶) ارزیابی کرده‌اند که این تفاوت معنیدار می‌باشد؛ چرا که مقدار آماره آزمون (۲/۷۸) بیشتر از

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1390.6.1.8.1]

مقدار ۱/۹۶ می‌باشد. در سطح معنیداری نیز میزان سطح خطر تقلب بدون استفاده از راهنمای تصمیم و نشان دهنده آن است که میانگین سطح خطر تقلب ارزیابی شده بدون استفاده از راهنمای تصمیم برای حسابرسان عضو و غیر عضو در جامعه حسابداران رسمی یکسان نیست و اعضای جامعه حسابداران رسمی سطح خطر تقلب را بیشتر ارزیابی کرده‌اند.

تجزیه و تحلیل فرضیه سوم

«اعتماد به نفس حسابرسان عضو و غیر عضو در جامعه حسابداران رسمی جهت ارزیابی سطح خطر تقلب مدیریت یکسان نمی‌باشد.»

برای آزمون این فرضیه سوال زیر از آزمودنیها پرسیده شد:

چه‌اندازه به توانایی خود در ارزیابی خطر تقلب مدیریت اعتماد دارید؟

نتایج نشان می‌دهد میزان اعتماد به نفس حسابرسان عضو در جامعه حسابداران رسمی (۵۷/۰۵) و حسابرسان غیر عضو (۲۶/۵۶) جهت ارزیابی سطح خطر تقلب مدیریت تفاوت وجود دارد که تفاوت مذکور معنیدار است؛ چرا که مقدار آماره آزمون(۵/۰۴) بیشتر از مقدار ۱/۹۶ می‌باشد. در سطح معنیداری نیز میزان اعتماد به نفس حسابرسان عضو در جامعه حسابداران رسمی می‌باشد، یعنی اعضا جامعه حسابداران رسمی میزان اعتماد به نفس بالایی نسبت به افراد غیر عضو در جامعه را دارند.

تجزیه و تحلیل فرضیه چهارم

«میزان اعتماد به نفس حسابرسان با مدرک کارشناسی ارشد و کارشناسی در ارزیابی سطح خطر تقلب مدیریت یکسان نیست.»

برای آزمون فرضیه فوق سوال زیر از آزمودنیها پرسیده شد:

چه‌اندازه به توانایی خود در ارزیابی خطر تقلب مدیریت اعتماد دارید؟

میانگین اعتماد به نفس حسابرسان با مدرک کارشناسی ارشد(۱۴/۲۷) بیشتر از حسابرسان با مدرک کارشناسی(۱۱/۹۷) است، این تفاوت با توجه به مقدار T (۲/۸۰-) که کمتر از ۱/۹۶- است، معنیدار می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت میزان اعتماد به نفس حسابرسان با مدرک کارشناسی ارشد بیشتر از حسابرسان با مدرک کارشناسی می‌باشد.

تجزیه و تحلیل فرضیه پنجم

«میزان سودمندی استفاده از راهنمای تصمیم برای حسابرسان با مدرک کارشناسی ارشد و کارشناسی یکسان نمی‌باشد.»

میانگین میزان سودمندی استفاده از راهنمای تصمیم برای حسابرسان با مدرک کارشناسی (۱۳/۱۱) کمتر از حسابرسان با مدرک کارشناسی ارشد (۱۵/۱۳) می‌باشد، که این تفاوت با توجه به مقدار t (۲/۴۶-) کمتر از ۱/۹۶- است، معنیدار می‌باشد. بنابراین سودمندی استفاده از راهنمای تصمیم برای حسابرسان با مدرک کارشناسی ارشد بیشتر از حسابرسان با مدرک کارشناسی می‌باشد.

تجزیه و تحلیل فرضیه ششم

«میزان تمایل به استفاده از راهنمای تصمیم برای حسابرسان با مدرک کارشناسی ارشد و کارشناسی یکسان نیست.» برای آزمون فرضیه فوق سوال زیر از آزمودنیها پرسیده شده :

تا چه‌اندازه مایلید برای ارزیابی خطر تقلب مدیریت در شرکت الف از راهنمای تصمیم فوق استفاده کنید؟

میانگین میزان تمایل به استفاده از راهنمای تصمیم برای حسابرسان با مدرک کارشناسی(۱۲/۳۶) کمتر از حسابرسان با مدرک کارشناسی ارشد(۱۴/۷۳) می‌باشد؛ با توجه به اینکه مقدار t (۲/۳۶) بیشتر از مقدار ۱/۹۶ است، تفاوت معنیدار است. بنابراین میزان تمایل به استفاده از راهنمای تصمیم در بین حسابرسان با مدرک کارشناسی ارشد بیشتر از حسابرسان با مدرک کارشناسی می‌باشد.

تجزیه و تحلیل فرضیه هفتم

«میزان تمایل به استفاده از راهنمای تصمیم‌گیری در بین حسابرسان با رشته تحصیلی حسابداری و مدیریت یکسان

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1390.6.1.8.1]

نمی‌باشد.» برای آزمون این فرضیه سوال زیر از آزمودنیها پرسیده شد:

تا چه‌اندازه مایلید برای ارزیابی خطر تقلب مدیریت در شرکت الف از راهنمای تصمیم فوق استفاده نمایید؟

با توجه به نتایج آزمون ملاحظه می‌شود که میانگین تمایل به استفاده از راهنمای تصمیم برای حسابرسان با رشته تحصیلی حسابداری (۱۲/۳۱) کمتر از حسابرسان با رشته تحصیلی مدیریت (۱۵/۹۱) می‌باشد که تفاوت فوق معنیدار است، زیرا معناداری مربوط به آزمون لوین برابر با ۰/۰۴ و مقدار t محاسبه شده (۳/۲۷-) کمتر از ۱/۹۶- می‌باشد، بنابراین میانگین تمایل به استفاده از راهنمای تصمیم در دو گروه حسابداری و مدیریت تفاوت معنیداری در سطح ۹۵٪ اطمینان دارد، یعنی میزان تمایل به استفاده از راهنمای تصمیم در بین حسابرسان با رشته تحصیلی حسابداری کمتر از حسابرسان با رشته تحصیلی مدیریت می‌باشد.

تجزیه و تحلیل فرضیه هشتم

«سطح خطر تقلب ارزیابی شده بدون استفاده از راهنمای تصمیم‌گیری توسط گروههای مختلف سنی یکسان نمی‌باشد.» برای آزمون این فرضیه سوال زیر از آزمودنیها پرسیده شد:

احتمال سطح خطر تقلب مدیریت را در صورت عدم اتکا به راهنمای تصمیم بیان نمایید؟

با توجه به اینکه مقدار احتمال جدول تحلیل واریانس برای سطح خطر تقلب ارزیابی شده بدون استفاده از راهنمای تصمیم برای گروههای مختلف سنی کمتر از ۵٪ است(۰/۰۰) بنابراین افراد در گروههای مختلف سنی سطح خطر تقلب ارزیابی شده بدون استفاده از راهنمای تصمیم را یکسان نمی‌دانند یعنی تفاوت معنیداری بین گروههای مختلف سنی وجود دارد. برای تعیین این تفاوت از روش آزمون دانکن استفاده شده که نشان می‌دهد کسانی که بیش از ۲۰ سال سابقه دارند میانگین سطح خطر تقلب ارزیابی شده در شرکت را بدون استفاده از راهنما بیشتر از سایر افراد با سوابق متفاوت ذکر کرده‌اند. میانگین سطح خطر تقلب اذعان شده از طرف این افراد برابر با ۷۵٪ است. افراد، با سابقه زیر ۱۰ سال میانگین سطح خطر تقلب ارزیابی شده را ۴۴ درصد و افراد بین ۱۰ تا ۲۰ سال سابقه میانگین سطح خطر تقلب بدون استفاده از راهنما را ۳۰/۴۳ درصد ذکر کرده‌اند.

بحث

در ایران پژوهشی در خصوص موضوع این تحقیق صورت نگرفته است، اما در خارج از کشور مقالات بسیاری در حوزه تقلب مدیریت وجود دارد. در مروری جامع بر این مقالات، به عنوان مثال نیس چواتیس و دیگران (۵) یک نکته برجسته این است که بیش از ۳۰ مطالعه جنبههای گوناگون تقلب مدیریت از شناسایی عوامل پیش‌بینی کننده تقلب نظیر آلبرت و رومنی (۶)، لبک (۷)، ساکسینا (۸) تا تحقیقاتی که چگونگی ارزیابی تقلبهای مدیریت توسط حسابرسان با استفاده از راهنمای تصمیم و بدون استفاده از آن مانند پینکس (۹)، هاکنبرگ (۱۰)، زیمبلمن (۱۱)، انینگ (۱۲) را مورد بررسی قرار داده‌اند. در این تحقیق تنها ادبیاتی که به عناوین مطرح شده در تحقیق حاضر اشاره نموده‌اند، مرور شده است. حوزه خاص حسابرسی که این تحقیق به آن پرداخته، ارزیابی خطر تقلب می‌باشد. ارزیابی تقلب شامل اقدامات گوناگون نظیر «طوفان مغزی[11]» میان اعضای تیم حسابرسی در ارتباط با نحوه پنهان کردن تقلب، پرس و جو از مدیریت و سایرین درباره خطر تقلب، و اجرای روشهای تحلیلی برای یافتن معاملات غیرعادی می‌باشد. در میان این تحقیقات که با ارزیابی خطر تقلب سر و کار داشته‌اند، برخی از راهنمای تصمیم استفاده نموده و برخی نیز از راهنمای تصمیم استفاده نکرده‌اند.

برخی مطالعات نیز به بررسی رفتار حسابرسان در ارزیابی خطر تقلب بدون به‌کارگیری راهنمای تصمیم پرداخته‌اند. به طور نمونه پنه مون (۱۳)، تاثیر سطوح استدلال اخلاقی حسابرسان بر روی تواناییشان را در قضاوت بر روی درستی و شایستگی مدیران مورد آزمون قرار داده است. این مطالعه بر تحقیقات اولیه در روانشناسی (نظیر پیجت (۱۴)، کلبرگ (۱۵) تکیه کرده است که الگویی را درباره نحوه رشد تکاملی افراد از لحاظ اخلاقی ارائه می‌کنند. به عنوان مثال فردی که از لحاظ اخلاقی در سطح

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1390.6.1.8.1]

بالاتری قرار دارد در مقایسه با فردی که در سطوح پائینتر قرار دارد به دنبال منافع شخصی خود نیست بلکه در پی پیروی از اصول اخلاقی است. پنه مون(۱۳) دریافت که حسابرسانی که در سطوح بالای استدلال اخلاقی هستند نسبت به عواملی که نشان دهنده عدم صداقت و درستکاری مدیران هستند، حساسیت بیشتری از خود نشان می‌دهند. این موضوع بیانگر آن است که حسابرسانی که در سطح بالای استدلال اخلاقی هستند ممکن است ارزیابی دقیقتری از خطر تقلب مدیریت داشته باشند چون آنها به عواملی که نشان دهنده وجود تقلب است حساسیت بیشتری دارند.

به طور خلاصه، پژوهش‌های اشاره شده در بالا پیشنهاد می‌کند که توانایی ارزیابی خطر تقلب مدیران به وسیله عوامل متنوعی نظیر وجود اطلاعات غیر مستقیم، الزامات قانونی جدید و سطوح استدلال اخلاقی حسابرسان تحت تاثیر قرار می‌گیرد. این مطالعات نشان می‌دهد که حسابرسان ممکن است توانایی محدودی برای ارزیابی خطر تقلب داشته باشند. برای مثال حسابرسان به اطلاعات تشخیصی (غیر مستقیم) زمانی‌که اطلاعات مستقیم وجود دارد بهای کمتری می‌دهند (۱۰).

تحقیقات در مورد کیفیت تصمیم بر پایه یافته‌های به‌دست آمده از روانشناسی است که بیان می‌کنند راهنماهای تصمیم، زمانی سودمند هستند که به سمت انجام موضوعات انسانی و بهبود بخشیدن تصمیم گیری کلی گرایش داشته باشند (۱۶). تحقیقات در مورد قابل اتکا بودن راهنمای تصمیم گیری رامی‌توان به ۳ دسته تقسیم کرد:

الف) بررسیهایی که روی اتکای کمتر از حد[۱۲] تمرکز دارند.

ب) آنهایی که به رویکرد فرایندهای پردازشگر کاربر توجه دارند

ج) آنهایی که با مسائل اتکای اجباری[۱۳] و اتکای بیش از حد[۱۴] سر و کار دارند(۱۷).

اتکای کمتر از حد، همانطوری که از نام آن نیز مشخص است، اشاره به تمایل فرد برای عدم پذیرش نتایج یک راهنمای تصمیم‌گیری دارد. شاید آرکس و همکارانش (۱۸) اولین محققینی بودند که اولین بررسی عمده را در مورد اتکای کمتر از حد انجام داده‌اند. در اولین کار با استفاده از یک قاعده طبقه‌بندی ساده (راهنمای غیر مکانیزه، ساده) آنها دریافتند که راهکارهای جبرانی، اتکای فرد را به راهنمای تصمیم کاهش می‌دهد.. آنها از یک قاعده دسته‌بندی ساده در وظیفه دوم استفاده کردند و دریافتند که اطمینان به تواناییهای فرد می‌تواند اتکا به راهنماهای تصمیم‌گیری را کاهش دهد و شواهدی را فراهم کند که از نظریه داو (۱۹) درمورد « خودبینی شناختی[۱۵]» حمایت - می‌نماید. باید توجه داشت که مانند بسیاری از بررسیهای دیگر مرتبط با اتکا به راهنمای تصمیم، محققین اتکا را بر حسب اینکه آیا فرد نتیجه حاصل از راهنمای تصمیم را در تصمیم‌گیری قبول دارد یا خیر، تعریف کرده‌اند.

همچنین براون و جونز چهار سطح مشخص از اتکا را نشان دادند که عبارتند از اتکای کامل، اتکای جزئی، صفر، اتکای منفی(۲۰).

اتکای کامل[۱۶]: نشان می‌دهد که حسابرس به سادگی به راهنمای تصمیم‌گیری تکیه می‌کند.

اتکای جزئی[۱۷]: یعنی افراد از یک ابزار تصمیم‌گیری به‌عنوان یک سوال اضافی یا بخشی از یک وسیله اطمینان بخش استفاده می‌کنند.

اتکای صفر[۱۸]: زمانی رخ می‌دهد که حسابرس از راهنمای تصمیم استفاده نمی‌کند و از آن چشم پوشی می‌کند.

اتکای منفی[۱۹]: وقتی که افراد هنگام استفاده از راهنمای تصمیم، به طرز ماهرانه از اتکا به آن شانه خالی می‌کنند، در حال نشان دادن اتکای منفی هستند.

نتیجه‌گیری

در تحقیق حاضر نیز پنج متغیر مستقل در تاثیر استفاده یا عدم استفاده حسابرسان از راهنمای تصمیم‌گیری شامل سابقه حرفه ای، مدرک تحصیلی، رده سازمانی، رشته تحصیلی و عضویت در جامعه حسابداران رسمی بررسی شد که نتایج به‌دست آمده از تجزیه و تحلیل فرضیه اول نشان می‌دهد میزان استفاده سرپرستان ارشد از راهنمای تصمیم در صورت بزرگ بودن شرکت بیشتر از سرپرستان است. در فرضیه دوم معلوم شد میزان سطح تقلب ارزیابی شده بدون استفاده از راهنمای تصمیم در بین اعضا جامعه حسابداران رسمی بیشتر از افراد غیر عضو

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1390.6.1.8.1]

می‌باشد. فرضیه سوم نشانگر این است که میزان اعتماد به نفس حسابرسان عضو جامعه حسابداران رسمی بیشتر از افراد غیر عضو در جامعه، جهت ارزیابی سطح خطر تقلب مدیریت می‌باشد. در مورد فرضیه چهارم میزان اعتماد به نفس حسابرسان با مدرک کارشناسی ارشد بیشتر از حسابرسان با مدرک کارشناسی می‌باشد. در مورد فرضیه پنجم مشخص شد که میزان سودمندی استفاده از راهنمای تصمیم جهت ارزیابی از سطح خطر تقلب مدیریت برای حسابرسان با مدرک کارشناسی کمتر از حسابرسان با مدرک کارشناسی ارشد می‌باشد. در مورد فرضیه ششم نیز میزان تمایل به استفاده از راهنمای تصمیم در بین حسابرسان با مدرک کارشناسی ارشد بیشتر از حسابرسان با مدرک کارشناسی می‌باشد. در فرضیه هفتم معلوم شد که حسابرسان با رشته تحصیلی مدیریت تمایل بیشتری به استفاده از راهنمای تصمیم نسبت به حسابرسان با رشته تحصیلی حسابداری دارند. در نهایت در مورد فرضیه هشتم مشخص شد که میانگین سطح خطر تقلب ارزیابی شده بدون استفاده از راهنمای تصمیم در بین حسابرسان با بیش از ۲۰ سال سابقه بیشتر از سایر افراد می‌باشد.

همچنین تمامی متغیرهای مستقل(سابقه حرفه ای، مدرک تحصیلی، رده سازمانی، رشته تحصیلی و عضویت در جامعه حسابداران رسمی) بر روی متغیرهای وابسته(هدف استفاده از راهنمای تصمیم‌گیری، کاربرد واقعی راهنمای تصمیم‌گیری و قابلیت اعتماد به راهنمای تصمیم‌گیری)تاثیر مستقیم می‌گذارند، که بیشترین تاثیر از سوی متغیر عدم عضویت در جامعه حسابداران رسمی می‌باشد.

پژوهشگر در فرایند پژوهش با محدودیتهای متعددی روبرو بوده است، هدف از ارائه و بیان آنها این است که خوانندگان و مطالعه‌کنندگان در مورد فرایند تحقیق، قضاوت عادلانه‌ای داشته باشند و با توجه به محدودیتهای موجود از قضاوت کلی پرهیز شود. همچنین به مسایل، تجزیه و تحلیلهای انجام شده و نتایج به‌دست آمده با واقع نگری نگریسته شود.

برخی از محدودیتهای موجود در این پژوهش عبارت‌اند از :

این پژوهش به بررسی برخی از علائم مرتبط با خطر تقلب در چارچوب راهنمای تصمیم پرداخته است در حالی‌که می‌تواند با علائم هشدار دهنده دیگری نیز بررسی کند.

دادههای به‌دست آمده صرفا بیان کننده نظرات و برداشتهای افراد نمونه می‌باشد لذا نتایج این پژوهش بایستی با لحاظ این مطلب تفسیر و تعمیم داده شود.

یکی دیگر از محدودیتهای این پژوهش عدم امکان بررسی تمامی عوامل بود که می‌توانستند بر استفاده یا عدم استفاده حسابرسان از راهنمای تصمیم گیری مؤثر باشند (موارد بررسی شده شامل: فشارمتابعت،اندازه شرکت، اعتمادبنفس و سودمندی).

پیشنهاد

۱) آزمون عوامل مؤثر بر حسابرسان (ردههایی غیر از سرپرست ارشد و سرپرست) در استفاده از راهنمای تصمیم؛

۲) آزمون عوامل مؤثر بر حسابرسان مستقل در استفاده از راهنمای تصمیم (با آزمون فرضیات جدید مانند نظارت کیفی سازمان یا جامعه حسابداران رسمی ،حسابرسی نخستین، خطرپذیری واحد مورد رسیدگی و سابقه مدیریت یا عدم اعتماد بر آن)؛

۳) بررسی کارایی راهنمای تصمیم از طریق اعلام راهنمای تصمیم به یک گروه و عدم اعلام به گروه دیگر و مطالعه نتیجه کشف تقلب در شرکتهای فرضی؛

۴) بررسی ارتباط علائم هشدار دهنده با میزان تقلبهای مالی کشف شده؛

۵) تطبیق علائم هشدار دهنده اشاره شده در راهنمای تصمیم با پروندههای قضایی تقلبهای مالی که قبلا اتفاق افتاده است.

سپاسگزاری

دکتر کیهان مهام و دکتر محمود همت‌فر، نسخه اصلی مقاله را مطالعه کرده و پیشنهادهای سازنده و ارزشمندی درباره ساختار و محتوای مباحث آن ارائه کردند که بدین وسیله از ایشان سپاسگزاری می‌شود.

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1390.6.1.8.1]

واژه نامه

سازمان بین المللی شفاف سازی

1. Transparency International (TI)

سازمان بین المللی موسسات عالی حسابرسی

2. International Organization of Supreme Audit Institutions (INTOSAI)

سازمان آسیایی موسسات عالی حسابرسی

3. Asian Organization of Supreme Audit Institutions (ASOSAI)

4. Cooking the book حسابسازی

هیات معیارهای حسابرسی آمریکا

5. Auditing Standards Board (ASB)

بیانیه معیارهای حسابرسی

6. Statement of Audit Standards(SAS)

انجمن حسابداران رسمی آمریکا

7. American Institute of Certified Public Accountant(AICPA)

کمسیون بورس و اوراق بهادار

8. Securities and Exchange Commission (SEC)

9. Decision Guid: راهنمای تصمیم

10. Self Confidence: اعتماد به نفس

11. Brain storming طوفان مغزی

12. Under reliance اتکای کمتر از حد

13. Forced reliance اتکای اجباری

14. Over reliance اتکای بیش از حد

15. Cognitive conceit خود بینی شناختی

16. Complete reliance اتکای کامل

17. Partial reliance اتکای جزئی

18. Zero reliance اتکای صفر

19. Negativ e reliance اتکای منفی

منابع

۱. فاوچی هادی. رهنمودهای آسوسای برای مبارزه با تقلب و فساد. دانش حسابرسی. ۱۳۸۳، شماره ۱۳.

۲. ولی پور صونا. برآورد ریسک تقلب در صورتهای مالی، قابل دسترسی در :

http://www.iranauditors.com/essay_main.aspx?id=24.Accessed:1387/12/19

۳. ام راموس. مسئولیت حسابرسان برای کشف تقلب براساس بیانیه شماره ۹۹ معیارهای حسابرسی آمریکا. ترجمه: بولو قاسم. مجله حسابدار. ۱۳۸۲، شماره ۲۰.

4. Bartlett J E, Kotrlik JW, Higgins CC (2001). Organizational Research: Determining Appropriate Sample Size in Survey Research. Information Technology, Learning and Performance Journal 19(1): 43-50.

5. Nieschwietz RJ, Schultz JJ, Zimbelman MF (2000). Empirical research on external auditors' detection of financial statement fraud. Journal of Accounting Literature 19: 190-246.

6. Albrecht WS, Romney B(1986). Red-flagging management fraud: A validation. Advances in Accounting 3: 323-334.

7. Loebbecke JK, Eining MM, Willingham JJ (1989). Auditors' experiencewith material irregularities: Frequency, nature, detectability. Auditing:A Journal of Practice and Theory 8 (Fall): 1-28.

8. Saksena P(2001). The relationship between environmental factors and management fraud: An empirical analysis. International Journal ofCommerce and Management 11(1): 120-143.

9. Pincus KY (1989). The efficacy of a red flags questionnaire for assessing the possibility of fraud. Accounting, Organizations, and Society 14: 153-163.

10. Hackenbrack K (1992). Implications of seemingly irrelevant evidence in audit judgment. Journal of Accounting Research 30 (Spring): 126-136.

11. Zimbelman MF (1997). The effects of SAS No. 82 on auditors' attention to fraud risk factors and audit planning decisions. Journal of Accounting Research35 (Supplement): 75-97.

12. Eining MM, Jones DR, Loebbecke JK (1997). Reliance on decision aids: An examination of auditors' assessment of management fraud. Auditing: A Journal of Practice and Theory 16 (2): 1-19.

13. Ponemon LA (1993). The influence of ethical reasoning on auditors'perceptions of management's competence and integrity. Advances inAccounting 11:1-29.

14. Piaget J (1936). The Moral Judgment of the Child. Free Press. New York.

15. Kohlberg L (1969). Stages and sequences: The cognitive developmental approach to socialization. In: Handbook of Socialization Theory and Research, edited by D. Goslin. Rand McNally. Chicago.

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1390.6.1.8.1]

16. Kleinmuntz B (1990). Why we still use our heads instead of formulas: Toward an integrative approach. Psychological Bulletin 107(3): 296-310.

17. Rose JM (2002). Behavioral decision aid research: Decision aid use and effects. In: Perspectives on AIS Research. American Accounting Association. Sarasota, Florida.

18. Arkes HR, Dawes RM, Christensen C (1986). Factors influencing the use of a decision rule in a probabilistic task. Organizational Behavior and Human Decision Processes 37: 93-110.

19. Dawes RM (1976). Shallow psychology. In: Cognition and Social behavior. Erlbaum Hillsdale. New Jersey.

20. Brown D, Jones DR (1998). Factors that influence reliance on decision aids: A model and an experiment. Journal of Information Systems 12 (2):75-94.

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1390.6.1.8.1]